

● استاد کریم محمود حقیقی



□ از خاک تا افلاک

(جلد هفتم)



کشتزار عمر

1386



۳۵۰۰ تومان

فهرست مطالب

کشتزار عمر.....	۴
سخن ناشر.....	۹
پیشگفتار.....	۱۳
بر این نظم کمی بیندیش.....	۱۸
کلمات الله.....	۲۳
این همه جمال، نشانه ذات جمیل نیست؟.....	۲۷
خداوند با حق، جاودان قرین است.....	۳۰
جمیل جمال آفرین.....	۳۲
خوبان در اقلیتند.....	۳۹
این مسافر، روزی به شهر خود می رسد.....	۴۴
اندیشه در آفرینش نخست.....	۵۱
تجدید حیات گیاهان.....	۵۵
مرگ بلال.....	۶۰
رجوع به اصل.....	۶۲
رحمتش فنا را ایجاب نمی کند.....	۶۸
اصالت روح.....	۷۴
خود فراموشی.....	۷۸

۸۳	سرای آخرت، تنمّه دنیا است نه جدا از آن.....
۸۶	بخش دوم.....
۹۰	مرگ از دیدگاه قرآن.....
۹۶	برای چه آمدیم و برای چه می‌رویم؟.....
۹۸	آنچه با مرگ برای انسان آشکار می‌شود.....
۱۰۵	مرگ، بهترین اندرزگو.....
۱۱۱	کیفیت احتضار.....
۱۱۳	مرگ خوبان «اصحاب یمین».....
۱۲۸	دیدار ائمه و رسول الله ۹.....
۱۳۳	استماع‌های ملکوتی.....
۱۳۶	شرح بازگشت بدان به سوی پروردگارشان.....
۱۴۹	بالاترین اندرزگو.....
۱۵۲	عدم رضایت مادر.....
۱۵۴	مرگ مقربان.....
۱۷۲	انتباه.....
۱۷۸	قبر، اولین منزل برزخ.....
۱۸۸	مردگان از زیارت قبور مسرور شوند.....
۱۹۳	فشار قبر یا رنج جدایی.....
۱۹۶	اتحاد عامل و عمل.....
۲۱۱	عالم برزخ.....
۲۱۷	برزخ، روز دریافت پرونده عمر.....
۲۲۳	سؤال در قبر.....

۲۲۵		عقبات راه
۲۲۸		غنیمت فرصت
۲۳۷		ملاقاتی دردناک
۲۳۹		شیپور نیستی
۲۴۳		اولیا و شهدا
۲۴۷		صراط
۲۵۵		میزان
۲۶۲		حساب
۲۷۲		حال خوبان و بدان در عالم برزخ
۲۷۶		یاران و همنشینان در سفر آخرت
۲۷۸		رستاخیز
۲۸۴		ویژگی های قیامت
۲۹۲		زمینی جز این زمین
۲۹۷		سرنوشت انسان
۳۰۰		شبی از شب های قدر
۳۰۵		روزی بس شوم و عبوس
۳۰۹		سرنوشت زمین، آیتی بزرگ از حق تعالی
۳۲۱		روز سوم حیات حیوانات
۳۲۶		روز چهارم پیدایش انسان
۳۳۱		سرگذشت زمین بعد از پایان امتحانات
۳۳۸		صدور فرمان خروج
۳۴۰		روز حسرت و پشیمانی

۳۴۴	چهره‌های رازنما.....
۳۵۰	تنهایی و بی‌یاوری.....
۳۵۵	ظهور حقیقت توحید در روز رستاخیز.....
۳۶۱	پرونده‌های گویا.....
۳۶۵	پاداش و کیفر حتمی است.....
۳۶۸	پایان نامه زندگی.....
۳۷۶	درهای جهنم و بهشت.....
۳۸۰	تصاویری از بهشت و جهنم در قرآن.....
۳۸۴	چگونگی حال ناریان.....
۳۹۳	چگونگی حال نوریان.....
۳۹۵	مساکن بهشتیان.....
۳۹۸	لذایذ کام.....
۴۰۰	لباس و فرش و زیرانداز.....
۴۰۲	لذات جمال.....
۴۰۶	وعده‌های جانبخش.....
۴۱۳	سعادت‌مندان در حدیث معراج.....
۴۱۶	جنات هشتگانه.....
۴۲۵	تجلی محبوب والاترین لذت بهشت.....
۴۲۹	واژه‌نامه.....

سخن‌ناشر

استاد گرانقدر «جناب آقای کریم محمود حقیقی» از شاگردان برجسته «حضرت آیت الله نجابت رحمته» در آغاز جوانی از تقوا و تهجد بهره‌ها داشت، به طوری که با مادر متدین خود اغلب سحرها برمی‌خاست و یا معبود خود به راز و نیاز می‌پرداخت، شبهای جمعه را نیز غالباً در حرم حضرت احمد بن موسی علیه السلام (شاهچراغ) احیاء می‌داشت.

به اقتضای سن و زمان زندگی از عشقی مجازی در التهاب بود و چون طبع شعری هم داشت گه‌گاه از آن التهاب درون، ابیاتی می‌تراوید.

معلمی متدین به نام مرحوم «حبیب مشکسار»، اخلاق اسلامی و اصول عقاید به وی می‌آموخت. همو اولین کسی بود که استاد را با شریعت آشنا نمود و در جلسات، مورد توجه خاص خود قرار داد.

از همان دوران، علاقه و انس به تنهایی و نیز تفکر و نظاره آسمان، او را از مجالس دعا و جمع دوستان جدا می‌کرد، به گونه‌ای که گاهی او را به تصوف و دیوانگی منتسب می‌کردند.

از جمع دوستان کناره می‌گرفت و در کناره جویبارها تنها، به دنبال گمشده

۱. این مطالب برای آشنایی با شخصیت مؤلف و با استفاده از کتاب «لطف حق» تقدیم خوانندگان محترم می‌شود.

جان می‌گشت؛ گمشده‌ای که ندیده و نشناخته، دوستش داشت و به آن عشق می‌ورزید. بعد از توسل و عرض حاجت به محضر مولا امام امیرالمؤمنین علیه السلام، در عالم رؤیا مژده اتصال به کاروان نور، به وی داده شد و در همان رؤیا به حضور حضرت امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شرفیاب شد و عرض حاجت و آرزوی انتظار نمود و مورد تفقد قرار گرفت. از این رؤیا بسیار تحت تأثیر قرار گرفته، توجه به معنی و مراقبت در شریعت را پیشه خود ساخت.

در هیجده سالگی کتابی در موضوع «عبور از مجاز و روی آوردن به حقیقت» به نام «طوفان عشق» نگاشته و به چاپ رساند.

«حضرت آیت الله نجابت» بعد از رسیدن به درجه اجتهاد، در مراجعت از نجف اشرف به طرف شیراز، کتاب مذکور را در دست کسی می‌بیند و علاقمند دیدار مؤلف می‌شوند. در اولین ملاقات، به نحو عجیبی آن بزرگوار به ایشان پیشنهاد رفاقت و دوستی می‌فرمایند. شاگرد که گویی گمشده خود را یافته، خود را با تمام وجود به آن مرشد کامل و عارف متألّه تسلیم می‌نماید.

رفاقت روز به روز گرم‌تر می‌شود و اغلب روزها در دامن طبیعت و کوه و دشت؛ و شبها در نور مهتاب، در جلسات انس با حضرت استاد، در کنار جویبارهای طبیعت، از چشمه‌سار زلال معرفت جامه‌های پیایی به ریشه جان می‌نوشاند.

غیبت او در نزد اقران و دوستان سابق، گاهی سبب انتقاد و اعتراض می‌گردد و به بحث و مجادله می‌انجامد و پاره‌ای اوقات، سردی و تردید در روحیه شاگرد پدیدار می‌شود. وقتی مشکل خود را با استاد در میان گذاشت و از او درخواست نمود تا از خداوند برای او حجت غیبی بخواهد که تردیدش

برطرف شود؛ در عالم خواب به او گفته می‌شود که: «از آقای نجابت پیروی کن». از آن پس پرده شک و تردید زایل و راه در پیش چشمش روشن می‌شود و وقتی برای آقا (آیت الله نجابت) رؤیا را نقل می‌کند، لبخند رضایت بر چهره آقا می‌نشیند.

«استاد کریم محمود حقیقی» به همراه یکی از یاران و به امر استاد خود برای زیارت و کسب فیض از حضرت آیت الله حاج آقا جواد انصاری (استاد آیت الله نجابت) عازم همدان، و در آن جا با استقبال گرم حضرت ایشان مواجه می‌شوند، گویی آن‌ها از قبل هم‌دیگر را می‌شناسند. چند روزی که در محضر ایشان بودند، حداکثر استفاده و کسب فیض نموده و به شیراز مراجعت می‌کنند.

در سفر دوم که با جمعی از دوستان به همدان داشتند، باز هم از بهره‌های معنوی سرشار می‌شوند. در سفر سوم نیز همراه با «حضرت آیت الله نجابت» و «حضرت آیت الله دستغیب» (رحمهما الله) و گروهی از یاران، به محضر ایشان در همدان می‌رسند و توشه‌ها برگرفته و خوشه‌ها می‌چینند.

«جناب استاد حقیقی» در زمان مرحوم «آیت الله نجابت» و با تأیید ایشان بیش از چهل سال، جلسات هفتگی برای جوانان و شیفتگان علوم و معارف الهی تشکیل می‌دادند و پویندگان راه کمال را هدایت و ارشاد می‌نمودند، که بسیار مورد توجه استاد بود و جلساتی را نیز خود آقا شرکت می‌فرمود؛ و هم اکنون نیز همان برنامه‌ها و جلسات ادامه دارد. خداوند بر تأییدات ایشان بیفزاید.

حدود ده سال قبل از فوت «مرحوم آیت الله نجابت» بعضی از خواهران

تحصیل کرده تقاضای تشکیل جلسه ویزه خانم‌ها کردند. استاد حقیقی می‌فرمایند: «باید از استادم اجازه بگیرم». و ایشان امر می‌کنند که «حتماً این کار را بکن». در جلسات مذکور همچون قلمستانی، نهال‌هایی که می‌بالیدند، به بوستان اشجار طیبه آقا (حضرت آیت الله نجابت) منتقل می‌شدند.

بعد از تألیف کتاب «فروع دانش در قرآن و حدیث»، بود که آقا (حضرت آیت الله نجابت)، استاد حقیقی را به نوشتن و تألیف کتابهای بعدی امر و ترغیب نموده و می‌فرمودند: «کار به چاپ آنها نداشته باش، تو باز هم بنویس، خدا کریم است». از آن پس کتابهایی که به چاپ رسید، بسیار مورد توجه و استقبال قرار گرفت؛ به طوری که شاگردان آقا، همه منتظر چاپ کتب ایشان بودند. کتاب‌های «تخلی» و «تزکی» و دو جلد «تحلی» و یک جلد «تجلی» در زمان حیات آقا و با کمک ایشان چاپ شد که همگی مورد توجه خاص و عنایت آن بزرگوار قرار گرفت. عاقبت دست اجل بین مراد و مرید جدایی افکند و روح ملکوتی استاد به سوی معبود پر کشید و آتش جرمان فراق در دل عاشق افکند. روحش شاد.

«استاد کریم محمود حقیقی» در حال حاضر علاوه بر این که راه استاد را در رشد و تعالی بخشیدن به نسل جوان و جویندگان کمال و حقیقت ادامه می‌دهند، با تألیف و تدوین آثار جاودانه نیز عطش تشنگان زلال معرفت را فرو می‌نشانند.

خداوند بر عمر و عزت و توفیقاتشان بیفزاید. آمین.

پیشگفتار

سپاس خداوندی که آدمی را آفرید و او را دور انداخت تا نزدیکش کند، آفرینشی با دستان^۱ خویش و در بالاترین^۲ قوام؛ اما او را در چاه عالم طبع سرنگون کرد و سپس بندی استوار برایش فرستاد و فرمود: اگر پروردگارت را دوست داری، چنگ بر این دستاویز زن^۳ و برای دیدار خالقت، از این چاه به در آی تا تو را بر جاه نشانم.

و درود بر آن آزماینده‌ای که در مسابقه آفریده‌های خود، آنها را در میدان مسابقه دنیا به سرعت و سبقت دعوت نمود و به ایشان فرمود: سارعوا^۴ و سابقوا^۵، بشتابید و در این راه بر یکدیگر سبقت گیرید و از این مسابقه باز نمانید تا جوار خویش را جایزه شما قرار دهم.

همان خداوندی که دل‌داری داد، سالکان راهش را که اگر با لغزشی از راه باز ماندید، باز برخیزید، من لغزش شما را جبران

۱. ﴿قَالَ يَا إِبْلِيسُ مَا مَنَعَكَ أَنْ تَسْجُدَ لِمَا خَلَقْتُ بِإِيدِي﴾. سوره ص، آیه ۷۵.

۲. ﴿لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ﴾. سوره تین، آیه ۴.

۳. ﴿وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا﴾. سوره آل عمران، آیه ۱۰۳.

۴. ﴿سَارِعُوا إِلَيَّ مَغْفِرَةً مِنْ رَبِّكُمْ﴾. سوره آل عمران، آیه ۱۳۳.

۵. ﴿سَابِقُوا إِلَيَّ مَغْفِرَةً مِنْ رَبِّكُمْ﴾. سوره حدید، آیه ۲۱.

می‌کنم.^۱

مهربان خالق که نوید داد که گربه تمنای من یک قدم بردارید، من ده گام به سوی شما آیم^۲ و اگر یادم کنید، من شما را یاد آورم^۳ و اگر یارم باشید، من نیز یار شمایم^۴ و نیز اگر برایم باشید، من نیز برای شمایم.^۵ اگر از من راضی باشید، من از شما راضیم.^۶

محبت مرا با خود کم نگیرید که این جهان با همه زیبایی و نعمات فراوان منحصرأ برای شما آفریدم، اما شما را برای خودم^۷، در میان همه مخلوقاتم منحصرأ شما را گرامی داشتم^۸ با آنکه از خاکتان آفریدم خواهم که شما را بر افلاک رسانم، ندیده‌اید که در میان همه آفریده‌هایم همه اسماء خود را به شما آموختم^۹ و فرشتگان پاک طینتم را به سجده بر شما دستور دادم.^{۱۰}

پس به هوش باشید که در این غربت سرای خاک نمانید؛ چون شما از من هستید و به سوی من باز می‌گردید، گام بردارید و مایستید که

۱. ﴿يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا﴾. سورة زمر، آیه ۵۳. ۲. حدیث قدسی.

۳. ﴿فَادْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ﴾. سورة بقره، آیه ۱۵۲.

۴. ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَنصُرُوا اللَّهَ يَنصُرْكُمْ﴾. سورة محمد، آیه ۷.

۵. «مَنْ كَانَ اللَّهُ كَانَ اللَّهُ لَهُ». حدیث قدسی.

۶. ﴿رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ أُولَٰئِكَ حِزْبُ اللَّهِ﴾. سورة مجادله، آیه ۲۲.

۷. ﴿يَا أَيُّهَا الْإِنسَانُ خَلَقْتَ الْأَشْيَاءَ لَكَ وَخَلَقْتَ لَكَ لَا جَلِيَ﴾. حدیث قدسی.

۸. ﴿لَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ﴾. سورة اسراء، آیه ۷۰.

۹. ﴿وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا﴾. سورة بقره، آیه ۳۱.

۱۰. ﴿وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ﴾. سورة بقره، آیه ۳۴.

عن قریب مرا ملاقات خواهید کرد.

ای عزیز! حال که از سوابق خود آگاهی یافتی، بدان که از آغاز آفرینش، همه پیامبران به این عزم مبعوث شدند که تو را از این سنگلاخ دنیا برهانند و به وصال آن محبوب رسانند، مبادا تو را که با این ویران سرای آن گونه انس گیری که پرواز را از یاد ببری.

تخم بطنی گرچه مرغ خانهات	کرد زیر پرّ، چو دایه تربیت
مادر تو بطن آن دریا بدست	دایهات خاکی بُد و خشکی پرست
میل دریا که تو را دل اندر است	آن طبیعت جانت را از مادر است
میل خشکی مر تو را زین دایه است	دایه را بگذار کاو بد رایه است
دایه را بگذار بر خشک و بران	اندر آدر بحر معنی چون بطنان
تو بطنی بر خشک و بر تر زنده‌ای	نه چو مرغ خانه، خانه گنده‌ای
تو ز کرمنا بنی آدم شاهی	هم به دریا هم به خشکی پانهی
ما همه مرغابیانیم ای غلام	بحر می‌داند زبان ما تمام ^۱

عزیز خواننده! اگر به مطالعه کتب قبل این عهد پرداخته باشی، دانی که در جلد اول این مجموعه از خاک آغاز کردم و بنابر آن بود که به یاری خداوند، تو را بر افلاک رسانم. جلد گذشته فریاد چرس کلاً داستان مرگ بود و وداع با دنیا که هیچ کس را شکی در آن نبود و

چون داستان در آنجا به پایان نیامد، قصه دیگر را بر تو خواندم که **حدیث آرزومندی** بود. در آن اخباری بر تو خواندم که هیچ کس را از آن خبری نیست و هر که را آگاهی رسیده از زبان وحی است، که آن سخن خالق دنیا و آخرت است. هم او که هستی بخشید و داند که این هست را به کجا ببرد.

بنابراین، دفتر حاضر پایان سرنوشت هاست، آن هم از زبان وحی، امید که با توجه به سرنوشتی که هر یک در پیش داریم، راهی را برگزینی که سعادت سرمدی تو در آن باشد. حسرت باد بر آن آدمی که اگر دانست فردا به مناسبتی دکان‌های شهر همه را می‌بندند، شتابان به تهیه روزی فردا پردازد و یقین دارد که بازار عمر عن قریب بسته شود و اکتساب تعطیل گردد، و ابدیتی او را در پیش باشد، اما دستش تهی و کیسه خالی و فقرش را جبران نباشد، مع ذلک در بند زراندوزی نیست.

این مجموعه تذکری برای اندوختن زاد است، گرچه تو را از همه یاد بود، اما با مطالعه این گونه مطالب یاد فراموش شده باز به خاطر آید و زین رو فرمودند:

﴿وَذَكِّرْ فَإِنَّ الذِّكْرَ تَنْفَعُ الْمُؤْمِنِينَ﴾.

پس یادآور شو که یادآوری گروندگان را سود بخشد.

اما چون بحث معاد، فرع بر توحید و نبوت است، به طور اجمال سخنی از توحید و وحی به میان آورم و سپس به واقعه عظیم قیامت بپردازم.

نخست یک مقدمه: حسابی از احتمالات

شماره‌های یک تاده را روی ده بنویسید و آنها را در جیب اندازید و بکشید که آنها را به ترتیب بدون نگرستن از جیب بیرون آورید و بعد از بیرون آوردن، آنها را دوباره در جیب اندازید.

احتمال آنکه شماره یک و دو به ترتیب از جیب بیرون آید، یک در صد است و احتمال آنکه شماره‌های یک و دو سه متوالیاً بیرون آید، یک در هزار است و به همین منوال احتمال در آمدن شماره‌ها به ترتیب کمتر می‌شود تا آنکه احتمال بیرون آمدن شماره‌های از یک تاده به رقم یک بر ده میلیارد می‌رسد. این بحثی مستدل در ریاضیات و احتمالات است.

حال با این مقدمه بنگر که برای ایجاد حیات و نظم که در آفرینش منظومه شمسی و به ویژه کره زمین برقرار است و کلاً این مجموعه با یک یک موجودات در آن را، هر یک واحد منظم تشکیل می‌دهد، چگونه امکان دارد که معلول تصادف باشد؟